

«آرمان ملی» بررسی کرد:

مصائب نشر کتاب و مطالبات از دولت چهاردهم



آرمان ملی - هادی حسینی نژاد: با روی کار آمدن دولت سیزدهم در شهریورماه ۱۴۰۰ و اعمال تغییرات ساختاری چه در چپش مدیران و چه در سیاست ها و عملکردها، چرخه نشر و بازار کتاب دستخوش تغییرات متعددی شد. متوقف ماندن رویدادهایی نظیر طرح‌های فصلی خانه کتاب و راه‌اندازی سامانه‌ای تحت عنوان «بازار کتاب» که در واقع فروشگاه‌های عرضه کتاب است، از جمله این تغییرات بود. همچنین تمرکز ارشاد (و دولت) بر تقویت توان تولید کاغذ تحریر ایرانی که با هدف «خودکفایی» و حتی «صادرات» دنبال شد، از مهم‌ترین سیاست‌های اخیر این وزارتخانه به‌شمار می‌آید؛ سیاستی که البته به دلیل نبود زیرساخت و تجهیزات به‌روز و پیشرفته، چه به‌لحاظ کیفی و چه به‌لحاظ کمی نتوانست جوابگوی نیاز ناشران باشد. در سه‌ساله گذشته، افزایش نرخ ارز و تورم نیز تأثیرات بی‌سابقه‌ای در بازار کتاب کشور داشته است؛ آنچنان که میانگین قیمت کتاب در ماه‌های اخیر از مرز ۱۶۰ هزار تومان نیز فراتر رفته و نسبت به ابتدای دوره ریاست جمهوری اخیر، ۳ تا ۴ برابر شده است. علاوه بر این موارد، ناشران و دست‌اندرکاران چرخه کتاب بر عواملی چون سختگیری اداره کتاب در صدور مجوزهای نشر تأکید دارند و معتقدند مجموع این عوامل و رفع مشکلات موجود، باید از سوی دولت چهاردهم و وزارت ارشاد آینده در دستور کار قرار بگیرد.

انتظارات فرهنگی از دولت چهاردهم

مزدک بانه‌جی
ناشروموف

چند روزی است که انتخابات ریاست جمهوری در ایران به پایان رسیده و حالا شفاف‌تر می‌توان از نیازهای بخش فرهنگی - هنری کشور با رئیس‌جمهوری آینده سخن گفت. از نظر من، ریشه تمامی مشکلات در دنیا به مسأله فرهنگ مربوط می‌شود. وقتی به آسیب‌شناسی معضلات اجتماعی می‌پردازیم، می‌بینیم یک بخشی از آسیب مورد نظر در ارتباط با فقدان توجه به مباحث فرهنگی است. هرچا فرهنگ نباشد، یا کم‌رقم باشد، همانجا جریان شکل می‌گیرد. بنابراین نمی‌توان بدون توجه به پیش‌نیازهای فرهنگی، پیشرفتی را به دست آورد. وقتی صحبت از فرهنگ می‌کنیم از یک «ابرق مفهوم» حرف می‌زنیم که در دل خود، هزاران مفهوم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... را جای داده است. کسی که قرار است مجری سیاست‌های فرهنگی - هنری کشور باشد، به نظر صرفاً نباید برآمده از یک نگاه خاص باشد؛ فرهنگ، زیستگاه تفکر یکایک ایرانیانی است که در داخل و خارج زیست می‌کنند. ضمن اینکه همه این اشخاص دارای حقوقی هستند که باید به‌عنوان یک ضرورت فرهنگی به آن احترام گذاشت. برای این اساس معتقدم بسیار مهم است که چه کسی با چه ظرفیت و دیدگاهی قرار است وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شود. مسأله توزیع عدالت در جامعه صرفاً به مباحث اقتصادی یا حقوقی ارتباط ندارد؛ بلکه فرهنگ عدالت محور نیازمند توجه به نیازهای یکایک اصناف و اقشار مرتبط با هنر و ادبیات است. معتقدم کسی که در رأس فرهنگ قرار می‌گیرد، ضرورتاً نباید هنرمند یا ادیب باشد، بلکه باید مسأله فرهنگ را به‌عنوان یک پدیده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... بشناسد؛ و با بهره‌گرفتن از داده‌های آماری و نظر کارشناسان اقصی نقاط کشور در همه حوزه‌های فرهنگی، ادبیات، اقتصادی و... اشخاصی را به‌عنوان مسئول منصوب کند که شناختن از ضرورت‌های فرهنگی صرفاً بر مبنای مباحث ایدئولوژیک نباشد؛ بلکه در کنار سایر ظرفیت‌ها از ظرفیت اعتقاد نیز به‌عنوان یک ضرورت ساختاری، در راستای توزیع عدالت فرهنگی استفاده کند. وقتی از عدالت فرهنگی حرف می‌زنیم، از شناخت ضرورت‌ها و آسیب‌های عرصه فرهنگ و هنر حرف می‌زنیم؛ جایی که باید ریشه برخی از فسادهای اداری، ناپرابری‌ها و اعتراضات اجتماعی و سیاسی را در آنجا جست!

یکی از نقاط حساس عرصه فرهنگ، بخش ممیزی کتاب و روند بررسی آثار ارایه شده است. در دولت آقای روحانی، اختیار ممیزی و صدور مجوز کتاب به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مراکز استان تفویض شده بود و در همان استان‌ها با توجه به شناخت کارشناسان از عرف، خرده فرهنگ‌ها، آیین‌ها و فضای سیاسی، اجتماعی و... فرهنگی و... اقدام به ممیزی آثار بر اساس سیاست‌های کلی و قانون اساسی می‌کردند. همچنین در روند اداری صدور مجوز نیز به دلیل تعدد و کثرت کارشناسان، بسیار تسریع شده بود و میزان اعتراض از سوی مولفان، مترجمان و ناشران به شدت کاهش یافته بود. اما در دولت سیزدهم مجدداً همه روند بررسی صدور مجوز کتاب در جهت ایجاد وحدت رویه به تهران سپرده شد. متأسفانه طولانی شدن روند بررسی کتاب و حتی صدور مجوز روی جلد‌ها و مصادیق ممیزی‌ها نشان از یک واقعیت می‌دهد که با یک نوع دیدگاه خاص در عرصه مدیریت فرهنگ خاصه بخش کتاب مواجه هستیم که گویی فرهنگ را باید بر اساس دیدگاه‌ها و مباحث اعتقادی متولیان‌ش تعریف کرد. مسئله نشر چه در بخش مطبوعات و چه در بخش کتاب و تولیدات فرهنگی نیازمند به‌مدیریت فرهنگی عدالت محورا است. نیازمند تفکری است که از همه جنبه‌ها ضرورت‌های فرهنگ، هنر و ادبیات را بشناسد و در جهت احترام و اعتمادسازی گام بردارد.

کتاب باید پیشران توسعه باشد

سعید میرمحمد صادق
پژوهشگر و فعال فرهنگی

کتاب افزون بر این که کالای فرهنگی و علمی است، مهم‌ترین شتاب‌دهنده فعالیت‌های حوزه صنایع فرهنگی است. کافی است کتاب خوبی نشر شود، افزون بر اینکه چندین چرخه صنفی و تولیدی همچون تصویرگری و گرافیک را در خود درگیر می‌کند، در موضوع حوزه اوقات فراغت نیز می‌تواند برای جامعه آغوش باز همراه با آرامش فراهم کند، و البته منبع خوب نیز برای اقتباس در تئاتر، سینما، رادیو و تلویزیون، بازی‌ها و سرگرمی‌های فیزیکی و دیجیتال و... خواهد بود. حال باید دید که آیا در دولت‌ها به این چنین موضوع توجه شده است؟ به نظرم خیر؛ هرچند بسیاری از ناشران گرامی برای خود برنامه داشته و اهدافی را دنبال می‌کنند که هم ارزش فرهنگی ایجاد کند و هم مزیت اقتصادی داشته و به افزایش سرمایه منجر شود، اما آن منظوری که از پیشران دارم، در این فعالیت‌ها رخ نداده است. بخشی از موضوع برمی‌گردد به خود ناشران که آثاری که در حوزه داستان و کودک و نوجوان کار می‌کنند، زمینه‌سازیت‌سازی در حوزه‌های دیگر را ندارد. اما بخش عمده آن برمی‌گردد به دولت‌ها. توجه دولت‌ها در این چند دهه با توجه به رویکردها و علائقی که داشتند - که حتی برخی علائقی خاص تر هم می‌شد - نخست مربوط بود به خرید کتاب و اعطای وام که البته مشخص نیست چگونه و با چه روشی‌هایی این کمک‌ها و حمایت‌ها انجام شده است. بخشی نیز به فعالیت‌های نمایشگاهی اختصاص داشته است. فعالیتی که به‌رغم اهمیت برای ناشران خصوصی که می‌توانند نسبت به بازگشت سرمایه خود اقدام کنند، به تدریج چند آسیب عمده ایجاد کرد: یکی مربوط به آسیب به کتابفروشی‌ها؛ به ویژه کتابفروشی‌های محلی و دیگری، نمایشگاه که با توجه به حضور مردم، به مرور به صحنه تبلیغاتی برای دولت‌ها و نهادهایی که از بودجه‌های عمومی نیز بهره می‌برند، تبدیل شد. اما بخش سوم و البته بسیار مهم دیگر کتاب، که توجه دولت‌ها در آن دخیل است، حوزه محتواست که تاکنون مشکلات خاص خود را داشته است. مشکلات این بخش که میان نشر و اهالی قلم به ممیزی معروف است، براساس مصوبه‌ای که در ۱۶ ماده و ۱۴ تبصره در جلسه ۶۶۰ مورخ ۱۳۸۹/۷/۲۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده، انجام می‌شود؛ مصوبه‌ای که در حوزه مکتوب فارغ از محتوا و زمانه اثر، به هر موردی که وفق آن تحلیل شود، ممیزی و اصلاحیه داده می‌شود؛ ممیزی که مشخص نیست چه فردی با چه سطح صلاحیت علمی و فرهنگی و نیز تا چه حد برخورداری از دانش تخصصی و موضوعی، کتاب مورد درخواست ناشر را بررسی و راجع به آن نظر می‌دهد.

این رویکردها در همه دولت‌ها جاری و ساری بوده و البته نسبت به نوع نگرش دولت‌ها در نحوه اجرای آن، گاه غیرشفاف‌تر بوده است؛

اختلال در بازار رقابتی نشر

محمد اربابی
مترجم و عضو هیات رئیسه دفتر منطقه‌ای آسیای فدراسیون بین‌المللی مترجمان

به زودی شاهد استقرار دولت چهاردهم بر مسند جمهوریت کشور خواهیم بود، دولتی که با نفی رویکردهای جزمی به‌ویژه در حوزه فرهنگ روی کار آمده است و حالاً می‌بایست گام‌های سریع و بلندی را برای تحقق وعده‌های خود بردارد. یکی از نقدهای مطرح‌شده در دوران انتخابات، موضوع وجود ممیزی در حوزه‌های مختلف از جمله کتاب بود. در این یادداشت قصد دارم به اثرات آن و راهکارهای پیش‌روی دولت جدید برای رفع این معضل چنددهه‌ای در حوزه نشر کشور بپردازم. در نوشتارها و مصاحبه‌های مکتوب و رادیویی، به‌دفعات به معضلی به نام «ممیزی سلیقه‌ای» اشاره کرده‌ام که برای تبیین بهتر اشارتی به نتیجه عملی آن خواهیم کرد. در بازار نشر کتاب شاهدیم که اثری در منطقی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار می‌گیرد و وارد بازار می‌شود، اما همان کتاب در مقطعی دیگر مغایر ضوابط نشر تشخیص داده می‌شود. همین تناقض در مورد نویسندگان آثار خارجی یاداخی هم صادق است؛ به این معنا که نویسنده‌ای ایرانی یا حتی خارجی در ایران ممنوع القلم می‌شود؛ در حالی که آثارش سال‌ها در ایران منتشر شده‌اند. از طرف دیگر، شاهد هستیم که در یک مقطع زمانی مشابه، اثری در نشری بدون سانسور وزارتخانه پیش‌گفته منتشر می‌شود، اما همان کتاب در نشری دیگر زیر تیغ ممیزی ملته می‌شود. این فقدان وحدت رویه ناشی از اعمال سلیقه در سانسور یا به تعبیر تطهیر شده آن، ممیزی است.

این رویه متناقض درحالی صورت می‌گیرد که تصمیمات دستگاه ممیزی کتاب در ارشاد، اثری مستقیم بر اقتصاد نشر و اهالی قلم دارد. این امر به‌ویژه در مورد ترجمه و مترجمان پررنگ تر است.

مترجمی به سفارش ناشی، اثری را برای ترجمه در دست می‌گیرد، چندین ماه از زندگی‌اش را صرف ترجمه آن می‌کند تا در صورت صدور مجوز و انتشار و توزیع مطلوب اثر از سوی ناشر و ایفای تعهدات مالی از سوی وی، بتواند در حالتی خوش‌بینانه بعد از حدود دو سال از آغاز کار، درآمدی بین ۸ تا ۱۵ درصد از قیمت پشت جلد را به دست آورد؛ در حالی که ممکن است ممیزی با اعمال سلیقه‌اش، نه تنها این فرآیند طولانی را طولانی‌تر کند، بلکه مانع از انتشار اثر شده و زحمات مترجم را به باد دهد.

اگر هم مترجم به واسطه حق تمامیت اثر متقاعد به اعمال تغییرات نشود، زحمات چندین ماهه‌اش به باد خواهد رفت. در شرایطی که با توجه به نبود هیچ قانونی برای رعایت کپی‌رایت در کشور؛ در همان مقطع و پیش‌یا بعد از آن، ناشر و مترجم دیگری به واسطه اعمال سلیقه ممیزی دیگری آن اثر را منتشر می‌کنند. کوتاه‌سخن اینکه؛ «فرآیند ممیزی پیش از انتشار کتاب مختل‌کننده رقابت در بازار کنونی نشر است و می‌بایست به نحوی بنیادین اصلاح گردد». تأکید بر این امر ضروری است که اعمال سلیقه در ممیزی ناشی از مصوبه ۶۶۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی است و اصلاح آن ضرورت دارد.

ارشاد؛ ایده‌ها و شیوه‌ها



علی محمدپور

ناشر و دبیر مجمع فعالان نشر دیجیتال

سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی بدون جلب نظر، همراهی و همکاری عموم مردم علاوه بر شکست، موجب نارضایتی و اتلاف سرمایه‌ها می‌شود. تجربه فیلتر کردن شبکه‌های اجتماعی پرکاربرد نشان داد که وقتی سیاست‌ها ناقص و یک‌طرفه باشند و مشارکت مردم را جلب نکنند، به ضد خودش تبدیل می‌شود و بیشتر مردم هم از فیلترشکن استفاده می‌کنند. شبیه همین اتفاق در وزارت ارشاد دولت سیزدهم افتاد. این سیاست‌ها حول ایده‌های مجمع ناشران انقلاب اسلامی شکل گرفت؛ ایده‌هایی که بعد از سه سال نتایجش قابل ارزیابی است. برخلاف رویکرد میانه‌رو و مردم‌دار رئیس‌جمهوری سابق در وزارت ارشاد، عملکردها در مسیر دیگری پیش رفت. ایده‌های بخشی، گروهی و جناحی به شیوه‌های غلطی هم اجرا شدند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم.

تضعیف نهادهای صنفی و تشکل‌ها: انجمن‌ها و اتحادیه‌ها به‌عنوان برآیند ناشران، همیشه نماد عملکرد جمعی گروه‌های مردمی فعال بوده‌اند؛ وگرنه دولت‌ها نتوان و نه امکان ارتباط و همکاری با تک‌تک فعالان اقتصادی را نداشته و نداشتند. در حوزه نشر سال‌های سال تشکل‌ها نقش پررنگی داشته‌اند؛ چه در سیاست‌گذاری‌ها چه در اجرا. ولی در دولت سیزدهم نگاهی مثبتی به تشکل‌ها وجود نداشت. گویا این‌ها را نماینده فعالان اقتصادی و بنگاه‌های اقتصادی نمی‌دانستند. و گویا انجمن‌های نشر و اتحادیه‌ها ناشران را نماینده ناشران فرض نمی‌کردند. حتی در نگاه گروهی از مسئولین اینطور بود که همه مشکلات به‌گردن اتحادیه‌ها و انجمن‌هاست؛ نتیجه اینکه قدم اول تضعیف این نهادها با کاهش همکاری و یا عدم همکاری برداشته شد که به سکوت صنف و به حاشیه‌راندن شدنش انجامید. حتی مجوز فعالیت انجمن‌هایی که آماده فعالیت بودند هم صادر نشد. در این دوره تشکل جدیدی ایجاد نشد و تشکل‌های اصیل نشر نادیده گرفته شدند.

تصدی‌گری: در این دولت به انجمن‌ها و اتحادیه و گروه‌های فعال و با تجربه و قدیمی فرهنگ با دید مثبت نگاه نشد. تلاش شد ایده‌هایشان را خودشان اجرا کنند. نتیجه آنکه از موضع سیاست‌گذاری، وارد موضع اجرا و تصدی‌گری شدند. به جای حمایت از فعالان این حوزه، دولت پایه‌گذار و مجری ایده‌هایی شد که تجربه نشان داده با تغییر دولت‌ها به کنار گذاشته می‌شوند. همان‌طور که این دولت بسیاری از ایده‌های دولت‌های قبلی را کنار گذاشت. سایت «بازار کتاب»، یکی از این مثال‌های تصدی‌گری بود که وزارت ارشاد را وارد لایحه بلقلم داری و فروشنده‌گری کتاب کرد. خروج از ریل مأموریت‌های اصلی: مأموریت وزارت ارشاد در حوزه کتاب در چند مصوبه و قوانین شکل‌گیری وزارت ارشاد مشخص است. گرچه ممیزی از مهم‌ترین مأموریت‌های معاونت فرهنگی شده است؛ اما مهم‌تر از همه سوار بودن بر جریان توسعه فرهنگی و تولیدات فرهنگی و جریان سازی در عرصه فرهنگ است. آنچه در این سه سال دیده شد، به جای تمرکز به موضوع ذاتی که حوزه محتواست، بیشتر روی متربال کتاب که کاغذ است متمرکز بوده است؛ تا جایی که ارشاد، متولی کاغذ در کشور شده است. درحالی‌که میزان مصرف کاغذ در حوزه کتاب و مطبوعات درصد کمی از بازار کاغذ را شامل می‌شود. همان‌طور که درصد اندکی از بازار چاپ هم به حوزه کتاب مربوط است. گویا وزارت صمت وجود خارجی ندارد. مهم‌ترین ممیزی، به حاشیه رفتن تولید کاغذ و حتی جوهر پرینتر بوده است. سایر حوزه‌های دیجیتال در دوره اوجش، این دوره بوده، کمترین اقبال را از سوی این مسئولین داشت؛ تا جایی که گویا نشر دیجیتال کتاب رهلی به وزارت ارشاد ندارد. این بخش حتی در نمایشگاه‌های کتاب هم حضور نداشت.

تشدید سخت‌گیری‌ها: زیست فرهنگ و هنر در فضای گفت‌وگو و اندیشه و تعامل است و زیبایی آن در گروی تنوع، تکثر و نوآوری آن است. در این دوره شاهد سخت‌گیری‌ها در حوزه اندیشه و فرهنگ بودیم که به حاشیه رفتن هنرمندان افزایش شدت ممیزی، به حاشیه رفتن هنرمندان غیرهمسو عملکردها آن قدر شدید و گسترده شد که صدای بزرگان ادبیات ما را هم درآورد که ممیزی مجموعه شعر «نامه‌ای به آسمان» استاد شفیعی کدکنی و کتاب سید مهدی شجاعی از آن نمونه است. در این دوره ایده‌ای برای جریان‌سازی محتوایی وجود نداشت. این سخت‌گیری‌ها منجر به زیرزمینی‌تر شدن نشر و انتشار غیرقانونی و غیررسمی کتاب‌های زیادی شد که به خاطر ممیزی، امکان انتشار نداشتند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران؛ زمانی نمایشگاه کتاب تهران ابهتی داشت. تا جایی که کشورهای عربی را قانع کرد اول در نمایشگاه کتاب تهران حضور پیدا کنند و بعد به نمایشگاه بین‌المللی تونس بروند. اما حالا نمایشگاه ما به روزی افتاده که نه اکثر کشورهای عربی که بیشتر کشورهای جهان در آن شرکت می‌کنند. نه فقط کشورهای جهان که تا جایی که در آخرین دوره‌های نمایشگاه همه شاهد بودند که قلب نمایشگاه که سیستان اصلی است، با ناشران دولتی و خصوصی پر شد. تضعیف نمایشگاه بین‌المللی کتاب یکی از نتایج رویکردهای یک‌بعدی و به حاشیه راندن تشکل‌های رسمی نشر و فرهنگ بود. شبیه نمایشگاه کتاب، در بقیه نمایشگاه‌های فرهنگی هم به همین نسبت شاهد افت فراگیری نمایشگاه‌ها بودیم.